



مقاله

بینش جان

و

رویش تصویر

عوامل مؤثر در تصویرگری دینی (۲)

سیدعلی محمد رفیعی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۸. مخاطب‌شناسی و مخاطب‌گرایی ۱-۸. تعریف مخاطب‌شناسی

مخاطب‌شناسی به این معنی است که یک نویسنده یا تصویرگر بداند که در چه سنی، برای چه مخاطبی، چه چیزی را و چگونه باید یا نباید بنویسد یا تصویرگری کند.

پیش از این (در بند ۲. هستی و چیستی تصویرگری) گفتیم که تصویرگر، نخست باید بداند که کار او از یک سو در خدمت، در کنار یا مکمل یک متن است و از سوی دیگر برای مخاطب یا مخاطبانی آفریده می‌شود. بنابراین، تصویرگر باید اثر خود را متناسب با ویژگی‌های مخاطب بیافریند. پس تصویرگری، این تفاوت را از نقاشی دارد که نقاش — به جز در کارهای سفارشی — نه به متنی متعهد است و نه باید پاسخگوی مخاطبی باشد.

۸-۲. نیاز به مخاطب‌شناسی

دیده می‌شود که ناآگاهی یا بی‌توجهی برخی از تصویرگران یا نویسندگان به تعریف کار خویش، به مخاطب‌گریزی یا مخاطب‌ستیزی آن‌ها می‌انجامد. آن‌ها می‌گویند: اثر هنری یا ادبی کاری است مربوط به درون و احساس من. من اثرم را تولید می‌کنم و به هیچ وجه برای من مهم نیست که این اثر می‌خواهد چه تأثیری داشته باشد. اگر بخواهم مخاطب را در نظر بگیرم، آزادی من هنرمند سلب خواهد شد.

کتاب‌ماه کودک و نوجوان
مرداد ۱۳۸۹



این سخنی است که از یک جنبه می‌تواند درست باشد. اما آن که چنین می‌گوید باید الزامات آن را هم بپذیرد. اگر قرار است اثری را برای دل خودمان بیافرینیم، می‌توانیم آن را نزد خودمان نگاه داریم. حتی اگر خواستیم، می‌توانیم آن را به جامعه عرضه کنیم تا اگر کسی همدلی با آن اثر در خود یافت، از آن بهره بگیرد. اگر هم کسی با آن همدل نبود و از آن استقبال نکرد، باز برای ما مهم نیست. در این جا حق نداریم که ناراحت شویم یا انسان‌های دیگر را سرزنش کنیم. اما دیده شده است که بسیاری از معتقدان ایرانی نظریه‌ی هنر برای هنر، اتهام عقب‌ماندگی و نداشتن درک هنری به جامعه زده یا به یأس و سرخوردگی دچار شده‌اند.

اما اگر استقبال و پذیرش مخاطب برای ما اهمیت دارد، ضروری است مخاطب خود را بشناسیم. شعار تجاری «حق با مشتری است» این جا چنین تجلی می‌یابد که حق با مخاطب است و مخاطب من مجبور نیست که بیاید و اثر مرا ببیند. من نیز نمی‌توانم او را به اجبار بر سر اثر خود بنشانم و به او بگویم باید آن را ببینی و ببسندی. بنابراین من باید کاری کنم که مخاطب جذب شود. برای جذب مخاطب هم ابتدا باید او را بشناسم و برای این که او را بشناسم باید روان‌شناسی او و ویژگی‌ها و سلیقه‌هایش را بدانم.

۸ - ۳. بیش‌نیازهای مخاطب‌شناسی

برخی از تصویرگران یا نویسندگان از دانشی به نام روان‌شناسی می‌گیرند. از دیدگاه آن‌ها این گونه علوم هیچ نقشی در آفرینش ادبی یا هنری ندارند. اما واقعیت آن است که کلید اصلی موفقیت اثر، همین روان‌شناسی و «... شناسی»های دیگر یا علمی مانند علوم تربیتی است. این بحث که نظریه‌های روان‌شناسی یا علوم تربیتی چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند و تفاوت و تحول آن‌ها چه اثری در نگرش و آفرینش ادبی و هنری می‌نهند، شبیه همان نکته‌هایی است که درباره‌ی تأثیر تحول دینی بر تصویرگری گفتیم. اما در هر حال، اگر شما به عنوان مثال، ندانید که کودک سه تا پنج ساله دارای چه دانش، دریافت، تصور، گرایش و نیازی است، تصویری که آفریده‌اید، ممکن است متناسب با او و نیاز او نباشد، او را جذب نکند و با او ارتباط نیابد. حداکثر این که با تصویری که از کودک درون‌تان یا کودک سه تا پنج ساله دارید، پیش خواهید رفت و چون کار شما علمی نیست، ممکن است در ارتباط با مخاطب، موفق باشید، ممکن است نباشید. حتی ممکن است تلقی شما از مخاطب‌تان بر اساس مشاهده‌ی موردی کودک دم دست خودتان باشد که نتوان یا بتوان قانون علمی از آن استنباط کرد. بنابراین هیچ مبنایی نخواهید داشت که بر اساس آن بتوانید میزان مفید یا موفق بودن یا نبودن اثر خود را ارزیابی یا پیش‌بینی کنید. یکی از وظایف دانشی به نام روان‌شناسی این است که بر اساس روش‌های علمی، پژوهش‌های آماری و سنجش‌ها و نتیجه‌گیری‌های روشمند، افراد انسان را در سنین مختلف شناسایی می‌کند، دریافت‌ها، نیازها، گرایش‌ها و میزان رشد اکثریت آن‌ها را نشان می‌دهد و این ویژگی‌ها و عوامل را پیش روی شما می‌گذارد تا شما بتوانید اثرتان را متناسب با مخاطب‌تان تولید کنید؛ خواه این اثر نوشتاری باشد، خواه تصویری. باز هم فراموش نکنید که تصویرسازی نیز همانند گرافیک، کاری سفارشی و برای ارتباط تصویری با مخاطب است نه همچون نقاشی که مخاطب آن اغلب خود نقاش است.

بنابراین نخستین گام ارتباط با مخاطب، مخاطب‌شناسی و نخستین گام مخاطب‌شناسی، روان‌شناسی مخاطب است. علوم تربیتی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و فرهنگ‌شناسی مخاطب، گام‌های بعدی است. بخشی از روان‌شناسی و علوم تربیتی نیز به تربیت دینی کودک اختصاص دارد و بیان می‌کند که کودکی در سطح متوسط کودکان جامعه‌ی مخاطب در هر سن چه تلقی ذهنی از خدا و دیگر مفاهیم دینی دارد، پرسش‌های دینی او چیستند، چگونه پاسخی با مراحل رشد او سازگارند، چه روش‌ها و شیوه‌های آموزشی، اشتیاق او را به مطالعه‌ی دینی برمی‌انگیزند و او به کدام یک از مقوله‌های دینی علاقه‌ی بیشتری نشان می‌دهد. برای نمونه بر اساس دست کم یک پژوهش، می‌گویند که بیشترین علاقه‌ی دینی بچه‌ها در گروه سنی دانش‌آموز - یعنی چهارم و پنجم دبستان - به داستان‌های دینی است.

کتاب‌هایی چه در زمینه‌ی روان‌شناسی و تعلیم و تربیت کودک و نوجوان، چه روان‌شناسی و تعلیم و تربیت دینی آن‌ها و چه نکات لازم در تصویرگری برای کودک و نوجوان تألیف شده‌اند که می‌توانید به آن‌ها مراجعه کنید.

۸ - ۴. مخاطب‌گریزی و مخاطب‌آزاری

متأسفانه برخی از تصویرگران به دلیل بی‌توجهی به اطلاعات مخاطب‌شناسانه، آثاری را برای مخاطب می‌آفرینند که به‌راستی مخاطب‌گریزی یا مخاطب‌آزارند. برای نمونه، برخی از مادران یا مربیان گزارش کرده‌اند که کتابی دارای نوشته و تصویری را در اختیار کودک نهاده‌اند و آن گاه که خواسته‌اند پهلوی او بنشینند و کتاب را برایش بخوانند، کودک خردسال با حالت ترس، از آن‌ها خواسته است که این کتاب را نخوانند. آن‌ها دریافته‌اند که کودک از تصویرها ترسیده است. یا بعضی از آثار نشان می‌دهند که تا چه اندازه برخی تصویرگران از مفاهیم نوجوانی دورند و می‌پندارند که نوجوان، کودک یا کودکی در حال رشد است و سپس برای او بر همین اساس تصویرسازی می‌کنند.

مخاطب‌آزاری، تنها ناشی از ترسناک بودن تصاویر نیست. عواملی دیگر نیز مؤثرند. برای نمونه، کودکان سالم و بدون مشکل، آرزو دارند که بزرگ شوند. آن‌ها دوست ندارند کسی به آن‌ها بچه بگوید یا آن‌ها را بچه فرض کند. او اگر منظره‌ای را بدون پرسپکتیو می‌کشد، از آن روست که چیزی از پرسپکتیو نمی‌داند. به این دلیل تنه‌ی درخت را بزرگ و سر آن را کوچک می‌کشد که خود، کوچک است و از پایین به درخت نگاه می‌کند و تنه را بزرگ و سر درخت را کوچک می‌بیند. به این دلیل خام و ناشیانه نقاشی می‌کند که آموزش ندیده و تمرین نکرده است. او اگر نقاشی را بیاموزد، به گونه‌ای دیگر نقاشی خواهد کرد. کافی است مقایسه‌ای میان کودکان آموزش‌دیده و آموزش‌ندیده داشته باشید. این که شما برای او همانند کودکان آموزش‌ندیده نقاشی کنید، آیا به این معنی نیست که ادای او را در می‌آورید؟ هرگز از کودکی پرسیده‌اید که چرا کتاب‌هایی را با متن‌ها یا تصویرگری‌های به تقلید از کودک دوست ندارد؟

۸ - ۵. نگرش مخاطب و گرایش تصویر

مخاطب‌شناسی حتی بر انتخاب سبک، نوع، گرایش، نگاه و زاویه‌ی دید متن و تصویرگری اثر می‌گذارد، به نویسنده و تصویرگر جهت می‌دهد و حدود پایین و بالای کار نویسندگی و تصویرگری را مشخص می‌کند. برای نمونه، قرارداد شما با مخاطب یا تلقی و برداشت مخاطب از اثر شما تعیین می‌کند که رویکرد شما به آفرینش تخیلی تا چه اندازه می‌تواند باشد. اگر گمان مخاطب این باشد که هر چه درون اثر شماست، واقعی است، شما وظیفه دارید که واقع‌گرا تصویرگری کنید. اما اگر مخاطب، چنین برداشتی از اثر شما ندارد، پس دست‌تان باز است و می‌توانید تا آن‌جا که تلقی مخاطب همسو با گرایش شما باشد، راه تخیل را پیش بگیرید. به همین نحو، درک و تلقی مخاطب است که گرایش صریح یا ضمنی شما به بازنمایی پیام‌ها و عناصر را تعیین می‌کند.

۸ - ۶. مخاطب و نمادها

همچون مورد بالا، بهره‌گیری از نمادها و نشانه‌ها و چگونگی آن‌ها در متن یا تصویر، بسته به درک مشترک پدیدآورنده با مخاطب است. چنین نباید باشد که پدیدآورنده، انتظاری از مخاطب در ارتباط با اثر داشته باشد و مخاطب به گونه‌ای دیگر با اثر ارتباط برقرار کند.

۸ - ۷. دست بالا یا دست پایین گرفتن مخاطب

دست بالا یا دست پایین گرفتن مخاطب یکی از پیامدهای نشناختن یا درست نشناختن مخاطب است. دست بالا گرفتن یعنی این که چیزی به مخاطب بدهید که زمان آن هنوز فرا نرسیده است. دست پایین گرفتن نیز به این معنی است که چیزی را در نوشته یا طرح خود مطرح کنید که مخاطب نکته‌ای یا اشکالی از آن بگیرد یا در آن بیاید که شما نمی‌پنداشتید. به عبارت دیگر، مخاطب را بچه فرض کنید.

به عنوان مثالی مهم، این را یک نویسنده یا تصویرگر باید بداند که همه‌ی مفاهیم دینی قابل فهم یا مورد علاقه‌ی همه‌ی مخاطبان نیستند از جمله این که شما نباید دستور خداوند به حضرت ابراهیم (ع) برای کشتن اسماعیل (ع) و ماجرای تلاش آن حضرت برای بریدن سر فرزند را برای کودک خردسال بنویسید یا تصویرگری کنید. این نمونه‌ای از دست بالا گرفتن مخاطب و طرح مفهومی از بالاترین مراحل عرفان به صورت یک ماجرا و رخداد تصویری برای انسانی در دوره‌ی عملکرد عینی است. این نمایش از ظاهر ماجرا دارای تصویری هراس‌آور و ناخوشایند است آن هم برای کودک خردسال که نیاز شدید به حمایت والدین دارد.

از سوی دیگر نباید مخاطب را دست کم بگیرید و چنین بیندازید که هر نوشته یا تصویرگری بی‌تحقیق بر اساس برساخته‌های دینی را فطرت پاک کودک پس نخواهد زد. برای نمونه، ممکن است داستان اصحاب فیل را با آن تصویرگری هراس‌آلود فیل‌ها در زمان فرو ریختن سنگریزه‌ها در یکی از کتاب‌های درسی برای کودکان دیده باشید. یکی از مسئولان تصویرگری کتاب‌های درسی در نشستی گفت: «در سال ۱۳۸۵، روزی نامه‌ای از یک مادر به سازمان ما آمد که گفته بود: فرزند من از تصویری که شما در کتاب قرآن دوره دبستان کشیده‌اید، ناراحت است.

ما با آن مادر تماس گرفتیم و از او پرسیدیم که ناراحتی برای چیست؟

گفت: فرزند ۸ ساله‌ام می‌گوید که این فیل‌هایی که در این‌جا کشته می‌شوند، چه گناهی کرده‌اند؟ به خاطر این فیل‌ها گریه می‌کند.

ما قضیه را پیگیری کردیم و دیدیم که در متن، سخن از «فیل‌ها» به میان آمده است. پس مشکلی در همخوانی متن و تصویر وجود نداشت. بنابراین، موضوع را با مسئولان تألیف متن مطرح کردیم. وقتی دوستان به متون مختلف مراجعه کردند، دیدند که با وجود اختلاف متن‌های تفاسیر، این متن، اشتباه و بر اساس نقل‌های نامعتبر و مستند به سخنان غیرمعصومان



است. در نهایت، پس از پژوهش معلوم شد که در واقعه‌ی اصحاب فیل، تنها یک فیل بوده و آن یک فیل هم هر چه کردند، وارد مکه و در اصل، وارد ماجرا نشد و سر به بیابان گذاشت و رفت. پس در محل واقعه‌ی نزول عذاب سنگریزه‌ها، فیلی وجود نداشته است که این اتفاق برای او هم بیفتد. آن تذکر باعث شد که این متن و تصویر آن اصلاح بشود و شما در کتاب درسی سال ۱۳۸۸، متن و تصویر اصلاح‌شده را می‌بینید.»

آن مسئول ادامه داد: «ببینید! ذهنیت یک کودک که از فطرت پاک او شکل می‌گیرد، باعث شد که ما واقعیتی را دریابیم. برداشت یک کودک چنان به واقعیت نزدیک بود و مشکلی را نشان داد که کارشناسان برنامه‌ریزی درسی قرآنی که هر کدام تخصصی در حوزه‌ی آموزش قرآن دارند و سال‌هاست در این زمینه کار می‌کنند، متوجه آن نشدند.»

۸-۸. متن‌گرایی و ناهمخوانی با متن

نوع رابطه‌ی متن و تصویر می‌تواند دارای حالاتی گوناگون باشد که در بند ۳-۵ (پرسش‌های آغازین) به آن اشاره شد. اما در تصویرگری برای کودک به‌ویژه کودکان خردسال، متن‌گرایی و در عین حال، عدم تطابق متن و تصویر می‌تواند برای مخاطب، مسئله‌ساز باشد. برای نمونه، برخی مریبان گفته‌اند که در متن کتابی سخن از «ماه تنها و بدون هیچ دوست» به میان آمده اما تصویرگر، ماه را در «آسمانی پرستاره» تصویر کرده است. در نتیجه، کودک از مربی پرسیده است که: چگونه ماه، تنهاست با این که این همه دوست دارد؟ یا در متن کتابی، سخن از «موشی با سه بچه» شده اما تصویرگر، تنها «یک بچه‌موش» را به تصویر در آورده است. در این‌جا کودک از مربی پرسیده است که: پس دوتا بچه‌موش دیگرش کو؟

۹. جهان‌بینی و تعهد هنرمند

۹-۱. دو دیدگاه

درباره‌ی وظیفه و رسالت هنر و هنرمند و تأثیر هنر بر جهان دو دیدگاه قابل طرح است:

۱. هنر و هنرمند نه رسالتی دارند و نه تعهدی. هنر، در رهایی پدید می‌آید و وابستگی نمی‌پذیرد. هنر و هنرمندی، فی‌نفسه و به خودی خود، هم ارزش، هم وسیله و هم هدف‌اند.
۲. هنر و هنرمندی به خودی خود ارزش نیستند. تفنن و سرگرمی‌اند. اما اگر در خدمت هدف یا امری متعالی قرار گیرند، از آن هدف یا امر متعالی کسب ارزش می‌کنند. در این حالت هنر، وسیله است.

آن چه در پی می‌آید، تعیین جایگاه تصویرگری و به‌ویژه تصویرگری دینی در میان این دو دیدگاه است.

۲-۹. اثر هنری و جهان ماقبل اثر

هنر از درون انسان هنرمند می‌جوشد و درون انسان از جهان بیرون مایه می‌گیرد. این جهان بیرون را که پیش از خلق یک اثر هنری وجود دارد، «جهان ماقبل اثر» می‌نامیم. فرایند ارتباط یک اثر هنری با جهان ماقبل خود چنین است: هر گونه آگاهی از جهان خارج به توسط هر یک از حواس، تصویر یا تصویرهایی در درون انسان پدید می‌آورد. مجموع این تصویرها، درون انسان را می‌سازند. درون انسان همچنین در این تصاویر دخل و تصرف می‌کند و تصاویری جدید می‌آفریند که محصول کار خلاقانه‌ی درون بر تصاویر حاصل از آگاهی‌های بیرون است. این تصاویر درونی هستند که گاه در جهان بیرون به صورت اثری قابل درک به وسیله‌ی دست کم یکی از حواس تجلی می‌یابند و اگر دارای ویژگی‌هایی باشند، نام اثر هنری می‌گیرند. این اثر هنری — همچون دیگر آثار — پدیده‌ای دیگر به جهان خارج می‌افزاید و «جهان مابعد اثر» را می‌سازد. اثر هنری جدید به خودی خود و به عنوان بخشی از جهان جدیدتر، می‌تواند دستمایه‌ی آگاهی تازه‌ای برای هر یک از انسان‌ها باشد و تصویری از آن به درون آن‌ها راه یابد. با این نگاه می‌توان تبیینی برای تعهد یا عدم تعهد و رسالت هنر و هنرمند یافت که در بندهای بعد به آن اشاره خواهد شد.

۳-۹. هنر غیرمتعهد

می‌توان هنر ناوابسته یا غیرمتعهد را با این عبارت‌ها توصیف کرد:

- هنر، [تنها] برای بازنمایی درون هنرمند.
- هنر برای تخلیه‌ی درونی هنرمند.
- هنر برای رهایی هنرمند از فشار درونی.
- هنر برای آفرینش هنری و افزایش پدیده‌ای به جهان.
- هنر [تنها] برای هنرورزی.
- هنر [تنها] برای هنر.
- هنر برای تعریف هنر. (برای برخی از آثار هنری که مایه‌ی تغییر نگرش‌هایی در تعریف هنر و اثر هنری می‌شوند).
- هنر نه لزوماً برای مخاطب.
- هنر نه در خدمت یا همساز با چیزی یا کسی یا هدفی.
- هنر برای هنرمند.
- هنر به عنوان هدف.
- هنر نه به عنوان وسیله.

ملاحظه می‌شود که منحصر کردن هنر به این موارد، با تعریف تصویرگری — چه دینی و چه غیردینی — سازگار نیست چرا که تصویرگری، هنری از یک سو همساز با متن و از سوی دیگر برای مخاطب است.

۴-۹. اثر هنری و جهان مابعد اثر

گفتیم که اثر هنری، پدیده‌ای است که به جهان خارج افزوده می‌شود. اما آیا کارکرد اثر هنری، تنها همین است؟ واقعیت این است که هنرمند چه بخواند چه نخواهد، مردم اثر هنری را تفسیر خواهند کرد و از آن تأثیر خواهند پذیرفت. این تأثیر می‌تواند آگاهی، پیام یا احساس باشد. نیز هنرمند چه بخواند چه نخواهد، اغلب مردم برای چگونگی تفسیر کردن یا تأثیر پذیرفتن خود، از هنرمند اجازه نخواهند گرفت. تفاوتی در این نیست که این پدیده‌ی هنری، اثری انتزاعی باشد یا نباشد. هنر چه بخواند چه نخواهد، تغییری در جهان است و تغییری در جهان پدید می‌آورد.

۵-۹. هنر متعهد

آن چه درباره‌ی فرایند ارتباط یک اثر هنری با جهان ماقبل و مابعد خود گفته شد، همه‌ی واقعیت نبود. واقعیت این است که اندیشه، جهان‌بینی، گرایش، نگرش، علاقه، احساس و فلسفه و هدف زندگی و رسالت هنرمند نیز بخشی از درونیات هنرمندان و محتوای برخی از تصویرهای ذهنی او را می‌سازند و/یا در همه یا برخی از تصویرهای ذهنی او تصرف می‌کند و/یا تصویرهای ذهنی او را سامان می‌دهند. این روند به طور خودآگاه یا ناخودآگاه، به اختیار یا بی‌اختیار در درون هنرمند

جریان دارد؛ چه اثر هنری محتوایی داشته باشد چه نداشته باشد.

هنر متعهد یا وابسته، هنری است متعهد یا وابسته به اندیشه، جهان‌بینی، گرایش، نگرش، علاقه، احساس و هدف زندگی و رسالت هنرمند. هنرمند در خلق اثری از مقوله‌ی این هنر، قصد آن دارد که خودآگاهانه و به اختیار خود چنان اثری بیافریند که اثر او افزون بر ویژگی‌های یک اثر هنری و افزون بر تغییری که هر اثر در جهان خارج (مابعد اثر) می‌تواند ایجاد کند، تغییری دیگر نیز متناسب با جهان‌بینی، گرایش، نگرش، علاقه، احساس و فلسفه و هدف زندگی و رسالت هنرمند در جهان مابعد اثر پدید آورد.

هنر وابسته یا متعهد را با این عبارتها می‌توان توصیف کرد:

- هنر، نه تنها برای بازنمایی درون هنرمند.
- هنر نه تنها برای تخلیه‌ی درونی هنرمند.
- هنر نه تنها برای رهایی هنرمند از فشار درونی.
- هنر نه تنها برای آفرینش هنری و افزایش پدیده‌ای به جهان.
- هنر نه تنها برای هنرورزی.
- هنر نه تنها برای هنر.
- هنر نه تنها برای هنرمند.
- هنر نه تنها برای تعریف هنر. (برای برخی از آثار هنری که مایه‌ی تغییر نگرش‌هایی در تعریف هنر و اثر هنری می‌شوند.)
- هنر نه به عنوان هدف.
- هنر به عنوان وسیله.
- هنر در خدمت یا همساز با جهان‌بینی، گرایش، نگرش، احساس و فلسفه و هدف زندگی و رسالت هنرمند.
- هنر برای مخاطب.
- هنر برای تغییر جهان.
- هنر برای....

از دیدگاه دستور زبان، هنر متعهد را — به قیاس «فلسفه‌ی مضاف» — «هنر مضاف» نیز می‌توان نامید. در این‌جا واژه‌ی «هنر»، نه به تنهایی بلکه به صورت مضاف، همواره با حداقل یک مضاف‌الیه به کار می‌رود: هنر اجتماعی، هنر سیاسی، هنر سنتی، هنر دینی، هنر مذهبی، هنر آیینی، هنر مقاومت، هنر بیداری، هنر پوچگرا، هنر... مفهوم از این‌گونه ترکیب‌ها، هنرهایی در خدمت یا در راستا و همسو با جامعه، سیاست، سنت، دین، مذهب، آیین، مقاومت، بیداری یا فلسفه‌ی پوچی است.

به بیان دیگر، هنر در خدمت هر چیز باشد، متعهد به آن چیز است و آن چیز می‌تواند گستره‌ای وسیع را از علوم پایه و خالص و محض تا متعالی‌ترین دانش‌ها و فلسفه‌ها و معارف و از جزئی‌ترین مسائل فردی تا عمیق‌ترین و بنیادی‌ترین نیازهای بشری را در برگیرد.

۹-۶. خاستگاه تعهد

هنر متعهد و تعهد در هنر از آن‌جا پدید می‌آید که هنرمندی به این نتیجه می‌رسد که وظیفه‌ی او در زندگی، تنها خودنمایی یا بازنمایی درون خویش نیست. هنر، تنها برای هنر، درون تعالی‌گرای او را راضی نمی‌کند. از این روست که به سراغ «هنر برای چیزی دیگر» می‌رود. این چیز دیگر را جهان‌بینی، گرایش، نگرش، علاقه، احساس و فلسفه و هدف زندگی و رسالت هنرمند تعیین می‌کند. دورترین هدف بر اساس گستره، عمق و اوج تعالی درونی هنرمند ترسیم می‌شود. این هدف، همیشه هدف است. هنر و هدف‌های نزدیک‌تر، وسیله‌اند.



۷-۹. هنر دینی

بر اساس آن چه گفته شد، هنر دینی، هنر متعهد به دین است؛ یعنی هنری که در خدمت دین و دارای محتوا، هدف، پیام و یا احساس دینی باشد. گستره‌ی این هنر می‌تواند همه، هر یک یا هر چند مورد از لایه‌ها، نمودها یا ظهورهای دین را — که در بند ۶-۲ (گستره‌ی دین) به آن اشاره شد — در بر گیرد.

۸-۹. تصویرگری دینی

بر پایه‌ی آن چه آمد، تصویرگری دینی، هنری است دینی، متعهد به دین و در خدمت دین. این هنر از یک سو مخاطبی دارد که همان مخاطب دین است. از دیگر سو در خدمت متنی است که در بیشتر موارد، متن دینی نام دارد با همان چه درباره‌ی لایه‌ها، نمودها یا ظهورهای دین آمد. این هنر، دارای هدف دینی و / یا وسیله‌ی انتقال اطلاعات، پیام و / یا احساس دینی به مخاطب است.

۹-۹. گرایش دین و گرایش تصویرگر

با توجه به آن چه گفته شد، طبیعی است که هنرمند تصویرگر دینی، باید دارای جهان‌بینی و تعهدی همسو و همگرا با متن موضوع تصویرگری خود باشد. البته این همسویی و همگرایی، همیشه و لزوماً به معنی دینی بودن تصویرگر به معنی خاص آن نیست زیرا گستره‌ی موضوعی دین دربرگیرنده‌ی دو دسته از مسائل و مباحث است:

۱. موضوع‌های اختصاصی دین (امور تأسیسی دین)؛ مانند: خدا، آخرت و عبادات، نیایش‌ها و مناسک دینی.
۲. موضوع‌های مشترک میان دین و حوزه‌های گوناگون علوم، معارف، فنون و آموزه‌های بشری (امور امضایی دین)؛ مانند: بخش‌هایی از علوم تجربی، فلسفه، علوم اجتماعی، اقتصاد، سیاست، حقوق، اخلاق و حکمت.

بنابراین برای دستیابی به نگرش‌ها، بینش‌ها و باورهای مرتبط با مورد اول، تصویرگر دینی — همچون نویسنده‌ی دینی — باید آگاهی‌های درست دینی داشته باشد، آن هم بر اساس موازینی که در بند ۶-۶ (در مسیر پیرایه‌زدایی) به آن اشاره شد. اما به آگاهی‌ها، نگرش‌ها و بینش‌های مرتبط با مورد دوم، از راه‌های غیردینی نیز می‌توان رسید. از این رو ممکن است یک نویسنده یا تصویرگر، فاقد اطلاعات، نگرش‌ها، یا باورهای دینی باشد اما اطلاعات، نگرش‌ها یا باورهایی را از منابع دیگر کسب کرده باشد که آن‌ها را از منابع دینی نیز می‌توان یافت. بر این اساس، شرط درونی نگارش یا تصویرگری دینی از نظر باور و گرایش نویسنده یا هنرمند نسبت به موضوع تصویرگری، یکی از سه حالت زیر را می‌تواند داشته باشد:

حالت اول. بهترین حالت برای یک نویسنده یا تصویرگر دینی — یعنی نویسنده یا تصویرگر متن دینی — این است که «دینی» باشد به این معنی که مجموع آگاهی‌ها، نگرش‌ها، بینش‌ها، باورها، رفتارها و احساس‌های دینی را — دست کم به میزان حداقل لازم برای دیندار بودن — داشته باشد. این حالت هرچه قویتر، عمیقتر و بیشتر باشد، نویسنده یا تصویرگر دینی به ویژگی‌های مطلوب یک آفرینشگر اثر دینی، نزدیکتر است. (نگاه کنید به بندهای ۱۲ تا انتهای بند ۱۹).

حالت دوم. حداقل شرط برای صلاحیت یک نویسنده یا تصویرگر در نگارش یا تصویرگری یک متن دینی این است که آگاهی‌ها، نگرش‌ها، بینش‌ها، باورها، رفتارها و احساس‌های دینی را در بخش مرتبط با متن داشته باشد. در این حالت است که دیده می‌شود برخی از نویسندگان یا هنرمندان غیردینی اما معتقد به بخشی از دین، آثاری ارزشمند در آن بخش از دین می‌آفرینند. فیلم سینمایی «روز واقعه»، نمونه‌ای برای این حالت است.

حالت سوم. این حالت، تنها برای متنی‌هایی با موضوع‌های مشترک میان دین و حوزه‌های گوناگون علوم، معارف، فنون و آموزه‌های بشری (امور امضایی دین) قابل قبول است و حداقل شرط برای صلاحیت نویسندگی یا تصویرگری در این موضوع‌ها این است که نویسنده یا تصویرگر، آگاهی‌ها، نگرش‌ها، بینش‌ها، باورها، رفتارها و احساس‌های لازم را در بخش مرتبط با متن داشته باشد.

به این دلیل است که دیده می‌شود برخی از نویسندگان یا هنرمندان غیردینی و حتی مخالف با موضوع‌های اختصاصی دین (امور تأسیسی دین)، موفق به خلق آثاری ارزشمند در موضوع‌های مشترک میان دین و حوزه‌های گوناگون علوم، معارف، فنون و آموزه‌های بشری (امور امضایی دین) می‌شوند. برای نمونه، یکی از دوستان نویسنده، «دانش اکل» صادق هدایت را به عنوان نمونه‌ای بسیار خوب برای طرح موضوع حفظ امانت و خویشتنداری، حتی در تقابل با عشق، مثال می‌زد. می‌دانیم که صادق هدایت نه تنها به عنوان نویسنده‌ی دینگرا شناخته نمی‌شود که رفتارها یا آثاری داشته است که شاید

بتوان آن‌ها را ضد دین نامید. اما حفظ امانت تا پای جان، از مفاهیم مورد تأکید دین است که در اخلاق بشری و به‌ویژه در مرام عیاری و فرهنگ لوطیان نیز جایگاهی ویژه دارد. بنابراین حوزه‌هایی از این گونه در دین وجود دارند که ممکن است نویسندگانی به آن‌ها وارد بشوند که غیر دینی هستند، اما بهترین تبیینگر آن مفهوم باشد که مفهومی دینی هم هست.

نبود هیچ یک از این سه حالت یا سه شرط، باعث می‌شود که حاصل کار برخی از نویسندگان یا هنرمندانی که به خلق اثر به اصطلاح دینی دست می‌زنند، نمایانگر چهره‌ای تحریف‌شده، مخدوش، بی‌رمق، گریزاننده یا دست‌کم، غیرجذاب از دین باشد. کافی است به عنوان نمونه، نگاهی به شخصیت‌پردازی پیامبران، معصومان یا مؤمنان در برخی از آثار نمایشی یا تصویرسازی بیندازید. در این آثار، شخصیت‌های مثبت، شخصیت‌هایی مرده و بی‌رمق‌اند، تحرک ندارند و گویی به وسیله‌ی کسی هیپنوتیزم شده‌اند. به عکس آن‌ها، مخالفان‌شان انسان‌هایی شاد، پویا و زیرک نشان داده می‌شوند.

۱۰. پویش و پژوهش هنری

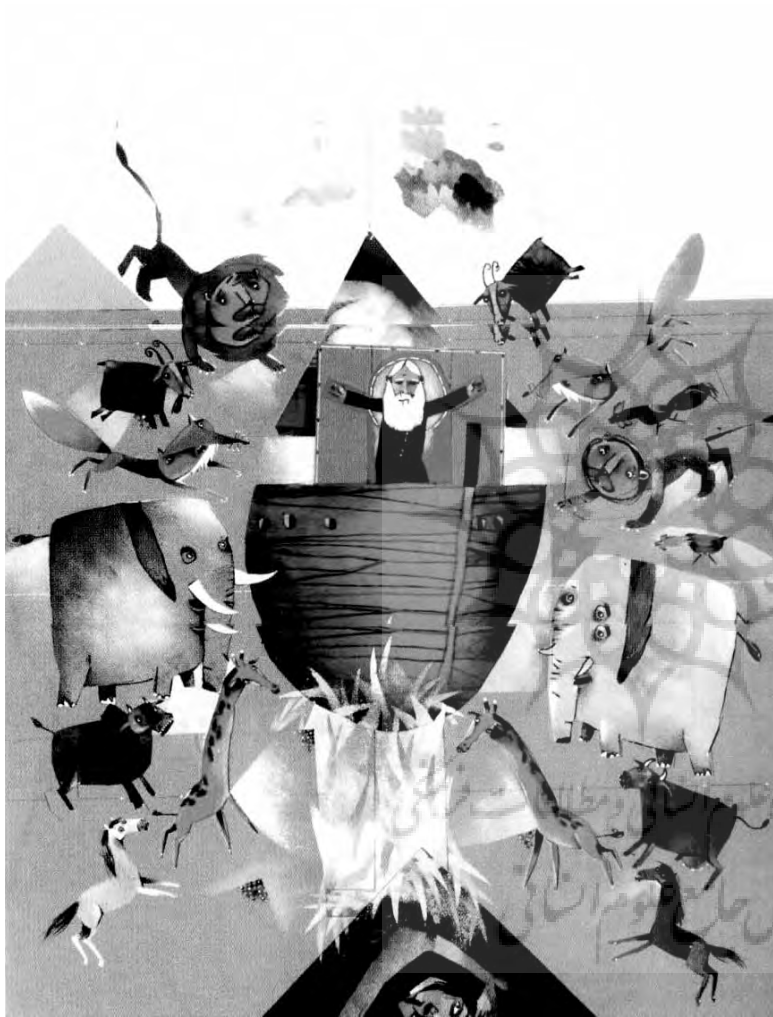
۱۰-۱. ارج هنر و پژوهشگری هنری

تصویرگر افزون بر این که باید به کار تصویرگری خود عشق بورزد و به آن ارج بنهد، باید در موضوعی تصویرگری کند که به آن علاقه‌مند است و درباره‌ی آن شناخت دارد. این عشق‌ورزی و ارج نهادن به هنر خویش، مایه‌ی آن می‌شود که هنرمند، همواره در رشد و پویایی باشد، یک جا نیستند و به اثر خویش غنا و پشتوانه‌ی علمی و آرمانی ببخشد. علاقه‌مندی به موضوع نیز او را به این سو می‌کشاند که برای خلق یک اثر، دست به پژوهش‌های لازم برای ارتقای کیفیت آن بزند. این پژوهشگری، چیزی بیشتر و فراتر از پژوهش متنی است که در بند ۶ (جهان متن و پژوهش دینی) به آن اشاره شد.

باید خواننده باشید که می‌کند اثر برای خلق مجسمه‌ی داوود، جوانان یهودی را می‌آورد و بر روی چهره و اندام‌شان مطالعه می‌کند. کسانی مثل استاد ابوالحسن صدیقی یکی از شاگردان کمال‌الملک یا استاد علی قهاری یا نقاشان، پیکر‌سازان یا تصویرگران بزرگ، اگر می‌خواستند مجسمه‌ای یا تصویری از شخصیتی قدیمی بسازند که تصویری از او در دست نیست، در محیط زندگی، نژاد یا در صورت امکان خانواده و بازماندگان او تحقیق می‌کردند تا بدانند که احتمالاً اندام‌واره‌ی (آناتومی) چهره و اندام او، اندازه‌ی قد او یا شکل دستش چگونه بوده است. بنابراین اگر شما مثلاً قد یا شکل چهره‌ی مجسمه‌ی فردوسی در میدان فردوسی تهران اثر استاد ابوالحسن صدیقی را اندازه بگیرید، می‌بینید که متناسب با قد و چهره‌ی اهالی طوس است و حالت چهره‌ی

او سیمای انسانی فرزانه را دارد. این بزرگان حتی شکل لباس یا مقدار و شکل ریش سوژه‌ها را بر اساس اطلاعات مستند کار می‌کردند. استاد صدیقی برای ساختن مجسمه‌ی فردوسی و تندیس‌های دیگرش تحقیق کرده است. برای آفرینش پیکره‌ی نادرشاه افشار در مقبره‌ی او در مشهد به چهره‌شناسی قبیله‌ی افشار، چهره‌شناسی و اندام‌شناسی سرداران بزرگ و تحقیق در لباس‌ها و ابزارهای جنگی سرداران نیاز بوده است. چهره‌ها، اندام‌ها و لباس‌های یکایک افرادی که در پشت سر نادرشاه هستند نیز حساب شده است. حتی چهره و اندام اسب نادرشاه و زین و یراق او بی‌حساب نیست. دیگر شاگردان کمال‌الملک هم برای اکثر آثارشان — با موضوع انسان یا غیر انسان — دست به فعالیت‌های پژوهشی زده‌اند.

این‌ها یعنی ارج نهادن هنرمند به اثر خویش. هنرمند تصویرگر، چه گرایش دینی داشته باشد چه نداشته باشد، اگر به کار خود ارزش بنهد، آستین‌ها را بالا می‌زند و در موضوع مورد تصویرگری خود تحقیق می‌کند. یکی از رازهای ماندگاری آثار بزرگ در اندیشه و پژوهشی است که پشتوانه‌ی آن‌هاست.



۲-۱۰. دشواری‌ها و توجه

بهترین حالت برای یک تصویرگر این است که اطلاعات مورد نیاز تصویرگری متن را خود متن یا نویسنده یا مترجم متن در اختیار او بگذارند. اما این یک اصل است که مشکل تصویرگری به خود تصویرگر بر می‌گردد. حلال مشکل تصویرگری هم خود تصویرگر است و هر اتفاقی در بیرون از تصویر افتاده باشد، قوت، کاستی یا مشکل دیگران است. حمیت کاری و مسئولیت هنری، موضوع تصویرگری را تبدیل به دغدغهی هنرمند می‌کند.

یکی از موانع ما در زمینه‌ی کار پژوهشی و صرف وقت و هزینه برای موضوع تصویرگری، شرایط اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی و محدودیت زمان، امکانات و از این قبیل است. این موضوع حتی برای برخی از مدیران فرهنگی ما هم روشن نیست که کار بدون پژوهش هر چند ارزان تمام شود، اتلاف امکانات است و کار پژوهشی خوب هر چند گران تمام شود، سرمایه و سود است. یکی از رموز پیشرفت کشورهای پیشرفته، در پژوهشگری آن‌هاست. برای نمونه، خبرنگاری را برای تهیه‌ی گزارشی مانند بررسی موقعیت زنان در ایران به کشور ما می‌فرستند. او سه ماه وقت می‌گذارد و آن‌ها چند هزار دلار هزینه می‌کنند و بعد تنها یک ستون در مجله‌ای مانند تایمز یا نیوزویک در این زمینه نوشته می‌شود. اما برای ما ترس از هزینه برای پژوهش فرهنگی یا هنری یا کار مطبوعاتی یا تألیفی، یک مشکل فراگیر است و هر که بگوید برای پژوهش در کار نوشتاری یا تصویرگری چنین مشکلی دارم، به‌ظاهر عذر موجهی آورده است.

البته ما باید قدری هوای مسائل مادی خود را داشته باشیم اما در عین حال باید به آینده هم بیندیشیم. ما برای نسل‌های بعد انسان‌هایی تاریخی خواهیم بود که هر کاری اصلاحی در این زمان نکنیم، آیندگان متضرر خواهند شد یا ما به دوش آن‌ها خواهد افتاد. واقعیت نیز چنین است که آیندگان نخواهند پرسید که مشکل مادی، سازمانی، اداری یا خانوادگی این تصویرگر یا نویسنده چه بوده است بلکه آن‌ها اثر را خواهند دید. برای من پیش آمده است که قراردادی یکساله با ناشری برای کتابی داشته‌ام اما پنج سال طول کشیده است که اثر را به ناشر تحویل بدهم زیرا در آغازین مرحله‌ی اجرا متوجه شده‌ام که هیچ کس قبل از من در این زمینه کاری علمی نکرده است تا من به پشتوانه‌ی او گام بعدی را که موضوع قرارداد بوده است، بردارم. بنابراین مجبور شده‌ام که فکر کنم، زحمت بکشم، راه‌های مختلفی بروم، بنیانی علمی برای کار بریزم و در نتیجه خود را به اصطلاح بد قول کنم اما حاصل کار، واجد حداقل ضوابط علمی شود که یک اثر قابل قبول باید داشته باشد. حتی به خاطر ارزش علم و کار علمی و پژوهشی، خود را با مدعیان صاحب‌نام در آن زمینه درگیر ساخته‌ام و از منافع کسب رضایت بزرگان چشم پوشیده‌ام. اما آیندگان شرایط قرارداد و ماجرای میان ناشر و مؤلف را نخواهند دانست یا اگر بدانند، برای آن‌ها مهم نخواهد بود که قرارداد این کتاب چندساله بود و چندساله شد. آن‌ها اثر را خواهند دید که خوب یا بد است و حرف تازه‌ای دارد یا ندارد.

در نهایت، آن چه می‌ماند، اثر ما و امضای ماست. نام‌آوران دانش و هنر اگر پرمشکل نبوده‌اند، بی‌مشکل هم نبوده‌اند. ممکن است گذشتگان رنج گرسنگی یا دشواری‌های دیگر را کشیده یا نکشیده باشند اما به چیزهایی دیگر نیز می‌اندیشیده‌اند. منظور این نیست که هنرمند باید ریاضت بکشد اما اگر بگوید که ممکن است فلان تحقیق سه روز وقت مرا بگیرد و به من لطمه‌ی مادی بزند، بدانید که اگر آثاری منفی در حاصل کارتان نداشته باشد، بی‌گمان آثار مثبتی که در کارتان می‌توانست باشد، دیگر نخواهد بود چنان که این گونه نگرش‌ها بر کیفیت و سطح زندگی ما در جنبه‌های گوناگون نیز اثر منفی نهاده است.

۳-۱۰. اطلاعات مورد نیاز تصویرگری

من در مقاله‌ی «پشتوانه‌های علمی برای تصویرگری دینی» فهرست یا چک‌لیست اطلاعات مورد نیاز یک تصویرگر برای تصویرگری یک متن دینی را آورده‌ام. این مقاله در شماره‌ی ۱۳۰ - ۱۳۱ (مرداد و شهریور ۱۳۸۷) کتاب ماه کودک و نوجوان به چاپ رسیده است و می‌توانید به آن مراجعه کنید. در این‌جا تنها عناوین ۲۲ بخش از این فهرست را می‌آورم:

اطلاعات انسان‌شناختی؛ اطلاعات پوششی؛ اطلاعات آرایشی؛ اطلاعات پزشکی و بهداشتی؛ اطلاعات اشیا و آرایش درون مکان‌ها؛ اطلاعات معماری داخلی مکان‌ها؛ اطلاعات معماری خارجی مکان‌ها؛ اطلاعات حرفه‌ها و مشاغل؛ اطلاعات گیاه‌شناسی؛ اطلاعات جانورشناسی؛ اطلاعات جغرافیا و جای‌شناسی؛ اطلاعات گاه‌شناسی و نجوم؛ اطلاعات درباره‌ی فرهنگ دانش‌پژوهی و نگارش؛ اطلاعات درباره‌ی فرهنگ هنرمندی؛ اطلاعات درباره‌ی فرهنگ معاشرت؛ اطلاعات درباره‌ی فرهنگ تغذیه؛ اطلاعات درباره‌ی فرهنگ عبادت؛ اطلاعات درباره‌ی فرهنگ بازی و ورزش؛ اطلاعات درباره‌ی فرهنگ جنگاوری؛ اطلاعات درباره‌ی فرهنگ حمل و نقل؛ اطلاعات درباره‌ی فرهنگ تفریح؛ اطلاعات درباره‌ی جهان ماورا و تصویرگری مفاهیم انتزاعی دینی.

این اطلاعات به روش‌های پژوهش کتابخانه‌ای، موزه‌ای، میدانی، نرم‌افزاری و سایبری یا با پرسش از متخصصان دینی و غیردینی و اهل فن در رشته‌های گوناگون باید به دست بیایند.



۴-۱۰. اهمیت اطلاعات تصویری

اطلاعاتی که در بند بالا به آن اشاره شد، اهمیتی بسیار در کار تصویری دارند. برای نمونه: در تصویرگری زندگی پیامبران باید اطلاعات گیاهشناسی هم داشته باشید و بدانید که چه نوع گیاهانی در مکان‌های زندگی آن‌ها رشد می‌کنند.

باید مدینه و مکه و مکان‌های مربوط به زندگی و فعالیت‌های رسول اکرم (ص) در جنگ و صلح را ببینید و کوه‌ها را مشاهده کنید تا بتوانید آن‌ها را به تصویر در آورید. به‌ویژه در تصویرگری نبردها، نقشه‌های جغرافیایی و عکس‌های زمینی و هوایی و فیلم‌ها و عکس‌هایی که از زوایای گوناگون تهیه شده باشند از نخستین پیش‌نیازهای تصویرگری هستند و در کنار مشاهدات مستقیم مکان‌های رخدادها یا به عنوان گزینه‌ای به جای آن‌ها به شمار می‌آیند.

اطلاعات گاه‌شناسی و نجوم نیز تأثیری بسیار در تصویرگری دارند. برای مثال، می‌دانید که تاریخ اسلام با گاه‌شماری قمری نوشته شده است. مهم است بدانید که رخداد موضوع تصویرگری شما در چه روز، ساعت و چه موقعیتی از آسمان اتفاق افتاده است. مثلاً اگر زمان ماجرای شما شب نوزدهم ماه رمضان است، باید مطالعه کنید که ماه در این شب چه شکلی دارد و در هر ساعت در کجای آسمان است. به دلیل آشنایی با ماه قمری در رخدادهای اسلامی، موضوع شکل و جایگاه ماه را در شب می‌توانید حل کنید اما بی‌نیاز از برگرداندن تاریخ قمری به تاریخ شمسی نیستید. مثلاً اگر متوجه شدید که ۱۹ رمضان سال ۴۰ هجری قمری (فردای ضربت خوردن امیرمؤمنان علی علیه‌السلام و دو روز قبل از شهادت آن حضرت)، در ماه بهمن بوده است، آیا باید آسمانی آفتابی و صاف را به تصویر بکشید یا آسمان را ابری یا نیمه‌ابری نمایش بدهید؟ آیا باید لباس زمستانه به تن مردم و شخصیت‌ها کنید یا لباس تابستانه؟ درختان فصلی را باید خشک بکشید یا پر برگ و بار؟...

اگر متوجه شدید که روز عاشورای سال ۶۱ هجری قمری مطابق است با ۲۱ مهر، باید بدانید که در این روز وقت اذان صبح چه ساعتی است؛ چه ساعتی طلوع آفتاب است تا در آن ساعت جنگ آغاز شود؛ چه ساعتی غروب آفتاب است و وقت عصر در حدود چه ساعتی است تا سرانجام دریابید که این ماجرا در چند ساعت به طول انجامیده است؛ این هفتاد و چند یا صد و چند نفر در چند ساعت و هر ساعت به طور متوسط چند نفر به شهادت رسیده‌اند؛ و زاویه‌ی تابش خورشید و طول سایه در هر ساعت از این روز در کربلا چه قدر است. به عنوان مثال اگر بخواهید رشادت و شهادت حبیب بن مظاهر را تصویر کنید، باید بدانید که این ماجرا در حدود چه ساعتی و زاویه‌ی تابش خورشید و طول و جهت سایه‌ی او و دیگر افراد و اشیا در این مکان چه قدر و چگونه بوده است. این اطلاعات از مواردی است که تأثیری بسیار در کار تصویرگری می‌گذارند. در شب هم طول سایه‌ها و جا و شکل ماه در آن زمان در آسمان بسیار اهمیت دارند که باید بر اساس اطلاعات قمری بررسی شوند.

۱۰-۵. چند پژوهش کوچک گاه‌شناسانه

در این‌جا به ارائه‌ی چند نتیجه‌ی کوچک اما مهم پژوهشی گاه‌شناسانه که به مناسبت‌هایی به دست آورده‌ام، می‌پردازم که می‌تواند بیش از نگارش دینی، در تصویرگری دینی به کار بیاید. منبع من در این زمینه، کتاب «گاهنامه‌ی تطبیقی سه‌هزارساله» تألیف [شادروان] احمد بیرشک، از انتشارات بنیاد دانشنامه‌ی بزرگ فارسی است که از سال ۱۳۷۳ به آن مراجعه داشته‌ام. این کتاب می‌تواند برای تطبیق تاریخ‌ها، از سال منهای ۱۲۶۰ تا ۲۰۰۰ هجری شمسی، از سال ۱ تا ۲۰۶۲ هجری قمری و از منهای ۶۳۹ تا ۲۶۲۱ میلادی به شما کمک کند. روزهای اول سال‌ها را با یکدیگر تطبیق داده است و شما از طریق فرمول‌هایی می‌توانید روزهای دیگر سال را محاسبه کنید. البته ممکن است منابعی بهتر و راحت‌تر از این یا نرم‌افزارها یا پایگاه‌هایی اینترنتی هم برای تطبیق‌های تاریخی وجود داشته باشد که چون از آن‌ها استفاده نکرده‌ام، نمی‌توانم به شما توصیه کنم:

- هجرت پیامبر اکرم (ص) در روز جمعه ۱۲ ربیع‌الاول سال اول هجری قمری است که برابر می‌شود با ۲۴ سپتامبر سال ۶۲۲ میلادی و ۴ مهر سال اول هجری شمسی.
- واقعه غدیرخم در روز دوشنبه ۱۸ ذی‌حجه‌ی سال ۱۰ هجری قمری بوده است که برابر با ۲۸ اسفند سال ۱۰ هجری خورشیدی می‌شود.
- وفات پیامبر اکرم (ص) در روز دوشنبه ۲۸ صفر سال ۱۱ هجری قمری بوده است که با ۷ خرداد سال ۱۱ هجری خورشیدی مطابقت می‌یابد.
- شهادت امیرالمؤمنین (ع) در پنجشنبه ۲۱ رمضان سال ۴۰ هجری قمری اتفاق افتاده است که برابر می‌شود با ۱۱ بهمن سال ۳۹ هجری خورشیدی.
- روز عاشورا — یعنی ۱۰ محرم سال ۶۱ هجری قمری — مطابق با چهارشنبه ۲۱ مهر سال ۵۹ هجری شمسی و ۱۰ اکتبر سال ۶۸۰ میلادی بوده است. در این روز اذان صبح: ساعت ۴:۳۸؛ طلوع آفتاب: ساعت ۵:۰۶؛ اذان ظهر: ساعت ۱۱:۵۲؛ وقت دقیق عصر: ساعت ۱۵:۱۵ و غروب آفتاب: ساعت ۱۸:۳۸ است.

۱۰-۶. تصویرگری انبیا، اولیا و مؤمنان

درباره‌ی تصویرگری و چهره‌نگاری معصومان، انبیا، اولیا و مؤمنان، می‌توانید به مقاله‌ی «چهره‌نگاری معصومان از حکم تا مصداق» مراجعه کنید. این مقاله در شماره‌ی ۱۳۵ کتاب ماه کودک و نوجوان (دی ۱۳۸۷) به چاپ رسیده است. در صورت لزوم، نکاتی دیگر در این باره نیز در مقالاتی دیگر خواهد آمد. در این‌جا تنها به مهمترین اصولی اشاره می‌شود که مبنای تصمیم درباره‌ی روایی و چگونگی تصویرگری و چهره‌نگاری معصومان، انبیا، اولیا و مؤمنانند و برخی از آن‌ها در آن مقاله نیامده‌اند:

- معصومان حضور جسمی قابل توصیف در میان انسان‌ها داشته‌اند.
- اگر چهره‌نگاری معصومان ممنوع بود، روایاتی که چهره‌ی آن‌ها را توصیف می‌کنند، از سوی معصومان یا اصحاب آن‌ها صادر نمی‌شدند.
- ممنوعیت چهره‌نگاری معصومان مستند شرعی و عقلی ندارد.
- ممنوع کردن چهره‌نگاری علمی و پژوهشگرانه‌ی معصومان، اشکال شرعی و عقلی دارد.
- پوشاندن، جایگزینی نور یا خالی نهادن چهره‌ی معصومان در تصویرگری‌ها، مایه‌ی ابهام‌ها، پرسش‌ها و بدآموزی‌هایی برای کودک خواهد بود.
- چهره‌نگاری معصومان — اگر بر اساس موازین علمی و پژوهشی صورت پذیرد — نه تنها روا که کاری در جهت دین و اهداف دین است و نگاه کردن به این آثار، اثرگذاری تعالی‌بخش بر بیننده خواهد داشت.
- برای چهره‌نگاری معصومان و مؤمنان باید دست به پژوهش‌های کتابخانه‌ای و میدانی زد.
- پژوهش‌های کتابخانه‌ای شامل شناسایی منابع معتبر درباره‌ی ویژگی‌های اختصاصی چهره و اندام معصومان و مؤمنان و بهره‌گیری از آن‌هاست.
- پژوهش‌های کتابخانه‌ای همچنین ویژگی‌های مشترک چهره و اندام انسان‌های اهل علم، فرزندی، معنویت و زیبایی درون را در بر می‌گیرد.
- پژوهش‌های میدانی شامل گردآوری و استخراج ویژگی‌های مشترک فرزندان و نسل انبیا و معصومان یا فرزندان و نسل مؤمنان می‌شود تا بر این اساس ویژگی‌های اجداد معصوم یا مؤمن آن‌ها با حداکثر احتمال صحت به دست آید.

۱۰-۷. روزآمدی، استمرار و گستردگی آموزش

هنرمند تصویرگر دینی باید همواره خود را در جریان پژوهش‌ها و فعالیت‌های نظری و عملی در عرصه‌ی هنر تصویرگری دینی و دانش‌ها و هنرهای وابسته نگاه دارد و از قافله‌ی پیشرفت‌های این عرصه عقب نماند. این یک ویژگی و ضرورت مهم در زندگی علمی، فنی و هنری عالمان، فناوران و هنرمندان بزرگ است. این را شاید بسیاری بدانند. اما نکته‌ای را در زندگی علمی، فنی و هنری نوایغ و نام‌آوران اثرگذار و ماندگار کمتر می‌دانند و آن آموزش مستمر و روح آموزش‌پذیری آن‌هاست تا جایی که آن‌ها حتی از شاگردان خود و افرادی بسیار پایین‌تر از خود می‌آموختند و می‌آموزند و بر این یادگیری اقرار و گاه افتخار می‌کردند و می‌کنند. گویی روحی از این سخن امیر مؤمنان (ع) در کالبد آن‌ها دمیده شده است که: «هیچ کس — هر چند جایگاهی بزرگ در حق و فضیلتی والاتر در دین داشته باشد — برتر از آن نیست که در اجرای مسئولیت‌های الهی نیازمند یاری نباشد. و هیچ کس — هر چند مردم او را کوچک بینند و به دیده‌ی خواری در او بنگرند — کمتر از آن نیست که حق را یاری کند یا او را یاری رسانند.»

۱۰-۸. زیان‌های پژوهش‌گری

نخستین زیان پژوهش‌گری یا بی‌توجهی به پژوهش در تصویرگری، متوجه خود تصویرگر خواهد شد و بر زحمت او خواهد افزود. به عنوان نمونه، فرض کنید متنی با موضوع اصلی یا فرعی غذا خوردن یک خانواده‌ی مسلمان به تصویرگر داده شده است. او کار را اجرا کند و قاشق را به دست چپ شخصیت تصویر بدهد و نداند که از آداب غذا خوردن در اسلام، خوردن با دست راست است. در نتیجه، سفارش‌دهنده از تصویرگر بخواهد که این عیب تصویر را برطرف کند. آن چه گفته شد، نه مثالی فرضی که رخدادی واقعی بود. یا برخی از تصویرگران نه تنها از پژوهش که از مطالعه‌ی ساده و آسان نیز بهره نمی‌گیرند. آن‌ها گاه بدون مراجعه به کتاب‌های اصلی در زمینه‌ی باورها یا احکام، تنها به اتکالی مشاهده‌ی رفتار مؤمنان عادی دست به تصویرگری می‌زنند. برای مثال، نیازی به پژوهش نیست؛ اگر به رساله‌های عملیه مراجعه کنید، متوجه می‌شوید که شکل درست قنوت گرفتن در نماز آن است که کف دو دست شما رو به آسمان باشد و دستان شما تا روبروی صورت‌تان بالا آمده باشد. اما شما در برخی از تصویرگری‌های بی‌پشتوانه از حداقل مطالعه، می‌بینید که دست‌ها در حالت قنوت، تقریباً یا عیناً موازی صورت نمازگزارند؛ شبیه حالت انسانی نزدیک‌بین که می‌خواهد کتابی بخواند. یا بی‌توجهی به سن و سال امام حسین (ع) (۵۷ سال) و علی اکبر (ع) (به قول قویتر: ۲۵ و حداقل: ۱۸ سال) در روز عاشورا مایه‌ی آن شده است که برخی از تصویرگران، آن امام را با چهره‌ی انسانی در حدود ۳۰ — ۴۰ ساله تصویر کنند و علی اکبر (ع) را نوجوانی که موی چهره‌ی او هنوز بر نیامده است.

در تصویرگری زندگی انبیا یا اصحاب کهف اگر شرایط محیطی زندگی، جغرافیا، پوشش، ابزار و آلات و دیگر اطلاعات مربوط به زمان و مکان زندگی آن‌ها را شناسایی نکنید، بی‌گمان اطلاعات درستی به مخاطب منتقل نخواهید کرد. هر گونه تغییر قبل از چاپ یا نقد بعد از چاپ در آثار فاقد پژوهش یا مطالعه، پیش از هر چیز مشکلی را برای تصویرگر پیش خواهد آورد. مشکل بعد، متوجه مخاطب به دلیل آموزش غلط به اوست. آن گاه زدودن این آموزش‌های غلط، وقت و نیروی بسیار از پژوهشگران، عالمان، مربیان و اصلاحگران خواهد گرفت.

۱۱. نیاز به نهادینگی پژوهش‌ها

به دلایل آتی، تأسیس نهاد، مرکز، سازمان یا تشکیلاتی همچون پژوهشگاه‌ها یا پژوهشکده‌هایی برای سازماندهی، سامانبخشی و اجرای پژوهش‌هایی مرتبط با ادبیات و هنر دینی یا موظف شدن سازمان‌های موجود و مرتبط، به ساماندهی و اجرای این گونه پژوهش‌ها، ضرورتی فرهنگی برای کشور ما، جهان دین، جهان هنر و هنر دینی است:

۱. اطلاعات تخصصی در زمینه‌ی کلام و اعتقادات، فقه و حقوق، آداب و سنن، اخلاق و عرفان، تاریخ و رجال، ادیان و مذاهب، مکان‌ها و زمان‌ها، فلسفه و حکمت، علوم و معارف، مناسک و شعایر، نمادها و نهادها، خرافات و جعلیات، فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها، گاه‌شناسی و نجوم و دیگر اطلاعات مربوط به گستره‌ی دین و اطلاعات مورد نیاز تصویرگری که در بندهای ۲-۶ و ۱۰-۳ به آن‌ها اشاره شد، بیشتر، گسترده‌تر و تخصصی‌تر از آن‌اند که بتوان از تصویرگران یا غیرتصویرگرانی پژوهشگر انتظار داشت که از عهده‌ی دستیابی به حقیقت همه‌ی نیازهای پژوهشی خود برآیند.

۲. وقت و هزینه‌ی مورد نیاز یک کار پژوهشی، اغلب بیش از وقت و توانی مادی است که یک پژوهشگر می‌تواند به آن اختصاص بدهد. برای نمونه، پژوهش‌های کتابخانه‌ای، تنها شامل این نمی‌شوند که شما در کتابخانه‌ای نزدیک بنشینید و کتاب یا کتاب‌هایی را بخوانید و یادداشت بردارید یا روگرفت (کپی) متن یا تصویری را تهیه کنید. کتابخانه‌ی پاسخ‌دهنده‌ی شما ممکن است در شهر یا کشوری دیگر باشد. اطلاع از این که کدام منبع در کدام کتابخانه است و چگونه می‌توان به آن دست یافت، نیاز به مشورت با کتابداران، اهل فن، و آگاهان از فناوری اطلاعات و آگاهی از کتابها، نشریات و منابع رایانه‌ای و چندرسانه‌ای و آگاهی از چگونگی دستیابی به آن‌ها دارد. آگاهی از اشیای موزه‌ای، مستلزم رفتن و دیدن موزه‌هاست. گاه بدون مشاهده‌ی مستقیم آثار نگارگری یا عکس‌ها یا اشیاء در موزه‌های کشور خود یا کشور دیگر نمی‌توانید دریابید که فضا، لباس، اشیاء و محیط زندگی شخص مورد تصویرگری شما چگونه بوده است. برای ترسیم صحنه‌های وقایع تاریخی ممکن است نیاز به نقشه و عکس‌های هوایی و زمینی از محل داشته باشید. رفتن و دیدن مناطق نیز کاری است که یک پژوهشگر در صورت امکان از آن سر باز نمی‌زند. مطالعه بر روی نژادها و خاندان‌ها، روانشناسی و خلق و خوی انسان‌ها و ارتباط ویژگی‌های درونی با ویژگی‌های جسمی، نیازمند مشاهدات مستقیم و آگاهی از تجربیات، مطالعات و پژوهش‌های دیگران است. تهیه‌ی اطلاعات از منابع اینترنتی نیز کاری زمانبر و گاه نیازمند هزینه‌هایی است. بنابراین وجود مراکز اجرایی پژوهشی و حتی دریافت سفارش از سوی آن‌ها می‌تواند هزینه‌ها را از دوش اهالی ادبیات و هنر دینی بردارد و پژوهش‌هایی را با ارزش کارشناسانه‌ی بیشتر و در زمانی کمتر به دست نویسندگان و هنرمندان حوزه‌ی دین برساند.

۳. گردآوری و ساماندهی پژوهش‌ها برای نهادن در اختیار افراد و مراکز به منظور پرهیز از دوباره‌کاری و بازپژوهی، از ویژگی‌هایی است که با ماهیت یک کار سازمانی هماهنگی بیشتر دارد.

۴. اطلاع‌رسانی پژوهشی، یکی از پیش‌نیازها و لوازم گردآوری و ساماندهی پژوهش‌هاست با این هدف که هرکس در هر جا بتواند از پژوهش‌های پایان‌یافته یا در دست اجرا آگاه شود و از بازپژوهی یا فعالیت‌های موازی بپرهیزد. این کار نیز به سازمانی خاص خود نیاز دارد.

۵. نیازسنجی پژوهشی و جهت‌دهی پژوهش‌ها، مانع پژوهش‌های غیرمفید یا دیربازده می‌شود و با شناسایی ضرورت‌ها و اولویت‌های پژوهشی، به روند فعالیت‌های همگون در سطح کشور، سرعت و کیفیت می‌بخشد. چنین کاری به افزایش بهره‌وری، رشد متوازن و پیشرفت بیشتر خواهد انجامید. این فعالیت در یک قالب سازمانی امکان‌پذیر است.

۶. مدیریت بر اجرای فعالیت‌های پژوهشی، یکی از نیازهای حتمی برای تضمین کیفیت و اثربخشی آن‌هاست. روند این مدیریت شامل پیشنهاد پژوهش؛ بررسی پیشنهادها؛ اصلاح، رد یا قبول پیشنهادها؛ طراحی یا مشارکت در طراحی؛ برنامه‌ریزی یا مشارکت در آن؛ پیشنهاد، تعیین و تخصیص بودجه؛ هدایت و بررسی (کنترل) کمی و کیفی؛ نظارت بر اجرا؛ پیگیری و ارزیابی. آن‌گاه اجرای فعالیت‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی، قبل از، همزمان با و بعد از اجرای کار. این مستلزم وجود روندی سازمانیافته برای مدیریت بر یک پژوهش است.

۷. با توجه به این که آموزش‌های نظری و عملی پژوهش، روش‌شناسی تحقیق (متدولوژی) و روش‌های تحقیق در علوم و هنرها به عنوان ضرورتی در نظام آموزشی ما جدی گرفته نمی‌شود و اغلب فارغ‌التحصیلان ما از این آگاهی‌ها بی‌خبرند یا آگاهی‌هایی جسته‌گریخته را از منابعی غیررسمی به دست آورده‌اند، وجود جلسات و دوره‌های آموزش نظری و عملی پژوهش، فلسفه‌ی پژوهش و روش‌های پژوهش بسیار ضروری است. پر کردن این جای خالی جز با تأسیس مراکز پژوهشی یا اختصاص دوره‌ها و واحدهای پژوهشی در مراکز، نهادها و تشکلهای موجود، میسر نیست.

ناگفته پیداست که وجود چنین فعالیت‌های نهادینه تا چه اندازه می‌تواند کار پژوهشی پدیدآورنده‌ی متن یا تصویر را آسان کند و او را از فعالیت‌های وقتگیر، هزینه‌بر و دشوار برهاند.

۱۲. نقش ایمان در پژوهش

فرهنگ آکسفورد، واژه‌ی «پژوهش» یا «research» را چنین تعریف می‌کند: «تحقیق یا مطالعه‌ی دقیق به‌ویژه به منظور کشف حقایق یا آگاهی‌های تازه.»

مقصود ما از «ایمان» در این بند نیز، «ایمان دینی» (Religious Faith) با تعریف: «باور و اعتقاد قلبی به بخش‌های اصیل، خالص و تحریف‌نشده‌ی ادیان الهی و آن‌گاه عمل بر اساس آموزه‌های پاک و اصیل آن ادیان» است.

از کنار هم نهادن این دو تعریف و توجه به بند ۶ (جهان متن و پژوهش دینی) چنین نتیجه می‌شود که ایمان واقعی و کار ایمانی (از جمله تصویرگری دینی) — که مبتنی بر اطلاعات درست دینی باید باشد — تا چه حد نیازمند پژوهش است تا ادیان الهی و بخش‌های تحریف‌نشده‌ی آن‌ها را از میان ادیان و مذاهب غیرالهی و تحریف‌ها و تغییرهای رخ داده در ادیان الهی باز شناسد که سپس بتواند راه عمل براساس آموزه‌های پاک و اصیل این ادیان را پیش گیرد.

حال می‌توان پرسشی دیگر مطرح کرد: آیا پژوهش نیز به ایمان نیازمند است؟ به بیان دقیقتر: آیا ایمان راستین مبتنی بر پژوهش‌های پیشین، می‌تواند اثری در دقت افزونتر و خطای کمتر پژوهش‌های بعدی در کشف حقایق و بهره‌وری بیشتر و پیشرفت سریعتر آن‌ها داشته باشد؟

ایمان عمیق بسیاری از نواخ علمی و هنری و پژوهشگران بزرگ ایرانی و خارجی؛ تأثیر باورها، نیایش‌ها و رفتارهای مؤمنانه بر رخدادها و اتفاقات‌های بیرونی مورد نیاز پژوهشگر؛ پژوهش‌هایی که از سوی متخصصان علوم شناختی^۱ درباره‌ی تأثیر باورهای دینی بر زندگی انسان‌ها صورت گرفته است؛ و ادعای ادیان الهی بر این که تضمین‌کننده‌ی سعادت بشر و نشاندهنده‌ی راه راست به انسان‌ها در هر زمینه هستند، این حدس عمیق را تقویت می‌کند که ایمان دینی می‌تواند نقشی بسیار عمیق و کارساز در هر گونه پژوهش نیز ایفا کند.

در بند ۹-۹ (گرایش دین و گرایش تصویرگر) گفتیم که چرا حداقل شرط برای کار نویسندگی یا تصویرگری دینی، در بخش‌های مشترک میان دین و غیردین، لزوماً دینی بودن نویسنده یا تصویرگر دینی نیست. اما در این بند قصد ما بر این است که از شرط «حداقلی» فراتر رویم و به موضوعی مهم اشاره کنیم و آن این که دینی بودن و داشتن ایمان دینی، چه نقشی — آن هم شگرف و شگفت — در روند پژوهش هنری و غیرهنری، دینی و غیردینی می‌تواند ایفا کند و چه اثری در ارتقای «حداکثری» حاصل کار می‌تواند داشته باشد.

آن چه می‌خوانید، اشاره‌ای کوتاه به تأثیر ایمان بر روند پژوهش دارد و مستند به مطالعات و تجربیات شخصی یا دیده‌ها، شنیده‌ها، تحقیقات، خوانده‌ها و مطالعاتی است که دیگران داشته‌اند. ترتیب این مطالب این بخش بر اساس ترتیبی است که برای فرایند یک پژوهش مطرح می‌شود:

۱۲-۱. الهام یا حدس درست

از ادیسون نقل شده است که: «نبوغ عبارت است از یک درصد الهام و نود و نه درصد تلاش.»

گام اول، سنگ زیرین بنا و مبنای کوشش‌ها و پژوهش‌های بزرگ، «الهام» است. الهام یعنی برانگیختن نیروی ذهنی و فکری یا قدرت خلاقیت در دیگری. بدون این انگیزش که باید از طریق

نیرویی به انسان القا شود، هیچ حرکت علمی ارزشمند و اثرگذار آغاز نمی‌شود و صورت نمی‌گیرد. به دریافت الهام، پذیرفتن الهام، الهام شدن و مورد الهام واقع شدن و آن چه الهام می‌شود نیز الهام گفته می‌شود. الهام، برای آن که به او الهام می‌شود، دیدن یا شهود حقیقت یا درک آگاهی‌های جدید است. در پی آن، هدف و تلاش پژوهش، برای اثبات عقلی و علمی این حقیقت درک‌شده یا دیده‌شده، رسیدن عقلی و علمی به این حقیقت و رساندن یا نشان دادن این آگاهی‌های جدید از طریق عقل و علم به دیگران است.

یکی از مهمترین وظایف علم کلام در میان دانش‌های دینی، اثبات این اصل است که منشأ و انگیزاننده‌ی اصلی و مؤثر مستمر در جهان، خداست. نیز اثبات می‌شود که ارتباط بیشتر با خدا می‌تواند منشأ دریافت‌های بیشتر، انگیزه‌های قویتر و اطلاعات و نیروهای جدیدتر از او شود. بنابراین نخستین نقش ایمان در هر پژوهش، دریافت الهام بیشتر است.

گاه نیز پژوهش در پی یک «حدس» صورت می‌گیرد. در این حال کوشش پژوهشگر، به اثبات عقلی و علمی این حدس معطوف می‌شود. البته مواردی گاه بسیار نیز هست که نتیجه‌ی پژوهش، بطالن حدس را در پی دارد. طبیعی است که بیش



و شناخت و اطلاعات درست‌تر می‌تواند به حدس درست‌تر منجر شود و در نتیجه از هزینه‌های مادی و معنوی رسیدن به بن‌بست بکاهد. نقش ایمان در این‌جا دادن بینش و شمی به پژوهشگر در شناخت حدس، حدسهای درست‌تر و تشخیص حدس یا حدس‌هایی است که نتیجه‌ای جز بطلان ندارند.

۱۲-۲. جهان‌بینی واقعگرا

می‌گویند هیچ‌کس بدون جهان‌بینی نیست. برخی می‌گویند که پژوهشگر باید در پژوهش خود، بی‌طرفی پیشه کند، گرایش و جهان‌بینی خود را کنار بگذارد و تنها در پی کشف حقیقت و دستیابی به واقعیت باشد. برخی دیگر نیز عقیده دارند که غیرممکن است که پژوهشگر بتواند گرایش و جهان‌بینی خود را کنار بگذارد. در هر دو حالت، ایمان داشتن و مؤمن بودن می‌تواند نقشی کارساز در یک پژوهش ایفا کند: در حالت اول، مؤمن تنها در پی کشف حقیقت و دستیابی به واقعیت است. حتی ایمان خود را از این رو ارزشمند می‌شمارد که ایمان به حقایق و واقعیت‌هاست. در واقع پژوهش او چیزی در راستای ایمان او و آجری دیگر در تکمیل یا ترمیم بنای شناخت او نسبت به حقیقت‌ها و واقعیت‌هاست. در حالت دوم، حتی اگر پژوهشگر، به‌ناگزیر، جهان‌بینی خود را در پژوهش دخالت دهد، از آن رو که جهان‌بینی او متناسب با حقایق و واقعیت‌هاست، بی‌گمان خللی در روند پژوهش و تناقضی میان پژوهش بیطرفانه و پژوهش ایمان‌مدارانه ایجاد نخواهد کرد.

بر پایه‌ی آن چه در اول این بخش گفتیم، مقصود ما از ایمان، ایمان و جهان‌بینی دینی بر اساس بخش‌های تحریف‌نشده‌ی ادیان الهی است و گرنه در مورد بخش‌های تحریف‌شده و آن عناصری که زائده‌های ناهمگونی بر بیکر ادیان الهی هستند، هم دخالت آن‌ها به روند درست و سالم پژوهش آسیب می‌زند و هم پژوهش درست و سالم، نتیجه‌ای خلاف آن‌ها را نشان می‌دهد.

۱۲-۳. تعهد و حق‌گرایی

مؤمن، متعهد است و کار عبث و بیهوده نمی‌کند. پژوهش او، یا حقیقتی ارزشمند را آشکار می‌کند که به سعادت انسان‌ها بستگی دارد یا فایده‌ای عملی را به جامعه می‌بخشد. خوشبینانه‌ترین آمارها حکایت از این دارند که امروزه تنها حداکثر ۵۰ درصد پژوهش‌ها مفیدند. در واقع حداقل نیمی از بودجه‌های پژوهشی و اوقات و سرمایه‌های معنوی مصرف‌شده برای پژوهش، به هدر می‌روند. اما پژوهش یک مؤمن به مدد الهام، جهان‌بینی، تعهد، واقع‌نگری، حق‌جویی، بهنگام بودن، انسانگرایی و بیهوده‌گریزی او برکنار از احتمال خطر و زیان اتلاف سرمایه و هدر رفتن هزینه‌ی پژوهش خواهد بود.

۱۲-۴. نیازسنجی و نیازشناسی

بسیاری از دانشجویان می‌پرسند: «در چه موردی تحقیق کنم؟» یا: «به من موضوعی برای پژوهش بدهید.» یکی از دوستان نویسنده می‌گفت: «من به این دلیل از تدریس در دانشگاه کنار کشیدم که مجبور نباشم موضوع تحقیق به دانشجو بدهم.»

اما واقعیت این است که یک مؤمن — چه دانشجو باشد چه استاد — جدا از مردم و جامعه نیست. در میان آن‌ها زندگی می‌کند، سفر می‌کند و راه می‌رود. با آن‌ها گفت و گو می‌کند، چانه می‌زند، بحث می‌کند، مراوده دارد، می‌گوید، می‌خندد و می‌گرید. از مشکلات و پیشرفت‌های جامعه، دولت و جهان آگاه است. آسیب‌ها و نیازها را می‌داند و در پی راه‌حل برای آن‌ها و پاسخگویی به آن‌هاست. رادیو گوش می‌کند، تلویزیون می‌بیند، به شبکه‌های اطلاع‌رسانی جهانی دسترسی دارد، روزنامه می‌خواند و به طور خلاصه، انسانی زنده، فعال، پویا، روزآمد و در عین آرامش و اطمینان مؤمنانه، جزئی از نهاد ناآرام جهان است. او می‌تواند هزاران موضوع تحقیقاتی مفید و مورد نیاز از در و دیوار بیابد. حتی اگر در گوشه‌ای محصور و مجبور باشد که تنها نماز بخواند و ذکر بگوید و به سیر و سلوکی درونی بپردازد، می‌تواند دهها و صدها مورد از تجربه‌های موفق یا ناکامی‌های خود را در پیشرفت‌های درونی و سلوک معنوی فردی، موضوع تحقیق قرار دهد و به پیشرفت خود و دیگران در این زمینه کمک کند.

۱۲-۵. طرح پرسش و حدس پاسخ

تبدیل نیازها به پرسش‌های علمی که از آن به «طرح پرسش» یا «مسئله‌گزینی» تعبیر می‌شود، یکی از مراحل مهم آغازین در روند پژوهش است. این مرحله افزون بر اطلاعات اولیه، نیازمند ذهنی منطقی بر اساس نیازسنجی و نیازشناسی درست است. پژوهشگر هر چه خردمندتر باشد، در این مرحله موفق‌تر خواهد بود. خرد یا عقل نیز بر دوگونه است: خرد یا

عقل موروثی و خرد یا عقل اکتسابی.

اما خردمندی یکی از لوازم اصلی ایمان است. به تصریح روایات، آن که عقل ندارد، دین ندارد و هر که عاقلتر است، دیندارتر است. این نشان می‌دهد که مؤمنان نه تنها از خردی کمتر از دیگر برخوردار نیستند بلکه از غیرمؤمنان خردمندترند. پس حتی در کاربرد خرد موروثی نیز پژوهشگران مؤمن در طرح منطقی پرسش موفقتر خواهند بود.

خرد اکتسابی با کار و کسب و معاشرت و مطالعه و حشر و نشر با انسانها، طبیعت و کتاب حاصل می‌شود. با توجه به آن چه در بند نیازسنجی و نیازشناسی درباره‌ی سلوک مؤمن با جامعه و جهان گفتیم، خرد اکتسابی مؤمنان به طور طبیعی باید بیشتر از دیگران باشد. در این زمینه نیز مؤمنان پژوهشگر، به صورتی منطقی موفقتر از دیگر پژوهشگران در طرح پرسش خواهند بود.

در این مرحله، «گمانه‌زنی» یا «حدس پاسخ» نیز نقشی مهم ایفا می‌کند. شما باید حدس بزنید که به کجا می‌خواهید برسید و آیا این پرسش می‌تواند شما را به پاسخ مورد نظرتان برساند یا خیر. در این مرحله نیز بینش و شم قویتر مؤمن، راه او را نسبت به پژوهشگری در شرایط مشابه او اما غیرمؤمن، نزدیکتر خواهد کرد.

اطلاعات اولیه، نقشی مهم در طرح پرسش و حدس پاسخ دارند. در این میان اطلاعات دینی گاه نقشی مستقیم را نیز در زمینه طرح و حدس پاسخ به عهده می‌گیرند. پژوهشگری با این ایمان که خوردن گوشت فلان حیوان حرام گوشت براساس فلان مستند معتبر دینی، باعث فلان آسیب اخلاقی به انسان خواهد شد، ممکن است براساس تعهد دینی و اجتماعی خود، موضوع و پرسش اصلی پژوهش خویش را بررسی تأثیر خوردن گوشت آن حیوان بر آن ویژگی اخلاقی قرار دهد. از هم‌اکنون نیز می‌داند که به پاسخ مطلوب و مورد تأیید باور دینی خود خواهد رسید. از دیگر سو، اگر به نظر وی، مستندات دینی در این باره معتبر نباشند و او در تردید باشد که آیا باید به این موضوع اعتقاد داشته باشد یا نه، باز پرسش اصلی پژوهش خویش را مانند مورد قبل مطرح خواهد کرد اما پاسخ خود را منحصر به یکی از دو پاسخ موافق یا مخالف یا با درصدهایی از مخالفت یا موافقت با آن باور منسوب به دین حدس خواهد زد.



۱۲-۶. تحلیل مسئله یا مسئله کاوی

تحلیل مسئله به چند مسئله یا یک سلسله مسائل، و طراحی نقشه‌ی مسیر پژوهش به صورت گزاره‌های منطقی و پرسش‌های مشخص، مرحله بعدی کار پژوهشی است که به اندیشه‌ای سامان‌یافته براساس موازین منطقی نیازمند است.

اندیشه، روندی منطقی است. در این روند، ذهن، نخست به پاسخ می‌نگرد و آن را شناسایی می‌کند. آن گاه به اطلاعات موجود خود می‌نگرد و به تأمل در این موضوع می‌پردازد که از میان این اطلاعات، کدام یک به کار رسیدن به پاسخ می‌آیند و چگونه می‌توان آن‌ها را به گونه‌ای زنجیره‌وار به یکدیگر پیوست که به پاسخ برسند. آن گاه این کار را انجام می‌دهد و سلسله‌ی اطلاعات را با تشکیل دستگاه‌های بهم‌پیوسته‌ی استنتاج، به نتیجه — که همان پاسخ است — می‌رساند.

در این میان اگر اطلاعات، ناقص باشند، ذهن، این دستگاه سلسله‌وار را تشکیل می‌دهد اما در این دستگاه جاهایی خالی نمودار می‌شوند که هر یک حلقه‌ای از این زنجیره‌اند و گسست هر یک از اینها می‌تواند زنجیره‌ی استنتاج را بگسلد. هر یک از این زنجیره‌ها گزاره‌هایی منطقی هستند که جای خالی آن‌ها باید با اثبات — از طریق پژوهش — پر شود. گاه نیز پژوهش در هر یک از این حلقه‌ها نتیجه‌ی عکس می‌دهد و کل سلسله می‌گسلد و در نتیجه موضوع پژوهش را باید تغییر داد.

با توجه به آن چه درباره بینش، شناخت، خردورزی و اندیشمندی مؤمن در بندهای پیش گفتیم و آن چه در آینده درباره‌ی ویژگی‌های دیگر مؤمن خواهیم گفت، معلوم می‌شود که در این مرحله از پژوهش نیز کار مؤمن تا چه اندازه آسانتر از دیگران و دورتر از خطر ناکام ماندن پژوهش بر اثر تحلیل نادرست مسئله یا حدس مقرون به خطاست.

۱۲-۷. روش‌یابی یا متدولوژی

مرحله‌ی بعدی در کار پژوهش، روش‌یابی، روش‌شناسی — یا متدولوژی — و شیوه‌گزینی است. هر یک از حلقه‌های زنجیره‌ی استنتاج، گزاره‌هایی هستند که هدف پژوهش، اثبات آنهاست. هر یک از این گزاره‌ها موضوع یکی از علوم‌اند که براساس روش‌شناسی پژوهش در هر یک از آن علوم باید مورد تحقیق و بررسی قرار گیرند. این تحقیق‌ها و بررسی‌ها به تناسب ماهیت گزاره‌ها، نیازمند ابزارها و شیوه‌های خاص خودند که در فنون مربوط به متدولوژی یا روش‌شناسی علوم از آن‌ها سخن گفته می‌شود.

اما دو نکته در روش‌شناسی و روشیابی و نقش ایمان در این فرایند قابل توجه است:

اول. برخی از پرسشها و گزاره‌های موضوع اثبات یا ابطال، از نظر پژوهشی بی‌سابقه‌اند و باید برای تحقیق در آن‌ها روشیابی، روش‌شناسی یا شیوه‌گزینی جدید کرد. در این زمینه فرایندهای الهام، بینش، جهان‌بینی و اندیشه‌ورزی نقشهای اساسی در روشیابی و شیوه‌گزینی ایفا می‌کنند و تا این‌جا معلوم است که ایمان چه تأثیری در تسریع این روند خواهد داشت.

دوم. روش‌شناسیها و شیوه‌گزینیهای گذشتگان نیز برخاسته از همان فرایندهای روشیابی و شیوه‌گزینی هستند و خود از الهام، بینش، جهان‌بینی و اندیشه‌ورزی آنان مایه گرفته‌اند و بعید نیست که نوابغی مؤمن در کشف سریعتر آن‌ها دخالت داشته‌اند. می‌توان در این زمینه از تحقیق‌های انجام‌یافته درباره‌ی باورمندی‌های دانشمندان گذشته بهره گرفت.

۱۲-۸. درونیات پژوهشگر

تا این‌جا در این روند، درونیات پژوهشگر و ویژگی‌های فردی او نقشی اساسی در پیشبرد سریعتر و بهتر روند پژوهش دارند. در این میان مؤمن، علاوه بر مطالعات و آگاهی‌هایی که هر پژوهشگر دارد، برخوردار از دید شفاف، بصیرت، روشن‌بینی، درون‌فهمی، تیزهوشی، شم قوی و آگاهی‌هایی درونی است که آن‌ها را از کسی یا جایی نیاموخته است. به میزان برخورداری او از ایمان، برخی یا بسیاری از چیزها در مسیر پژوهش که برای بسیاری از پژوهشگران با اندیشه، تفکر و تحقیق حاصل می‌شود برای او بدیهی است. باز شدن ذهن و فوران اندیشه، بارقه‌های راهگشای فکری و خیزشهای بلند روحی، از نتایج باورهای درست، اعمال صالح، نیایش‌های خالصانه و ارتباط با مبدأ هستی است.

نگاه نقادانه‌ی پژوهشگر و خطاسنجی او در کار پژوهشی نیز بسیار مهم است. در این میان مؤمن — به تصریح متون دینی — نقادی خطاسنج از درون دارد و نیرویی درونی که او را راهنمایی می‌کند و راه درست و نادرست را به او نشان می‌دهد. این از ضریب خطا در هر مرحله از پژوهش می‌کاهد. مؤمن بر صراط مستقیم و راه راست است و استمرار این ویژگی را همواره از خدا می‌خواهد. او راه راست را در هر کوشش می‌یابد و هر مرحله را در کوتاهترین راه و کمترین زمان طی می‌کند. استنتاج درست و نتیجه‌گیری صحیح که در روند پژوهش اهمیت دارند به وسیله‌ی مؤمن در مدتی کوتاهتر و با خطای کمتر حاصل می‌شوند. بسیاری از مؤمنان نقل کرده‌اند که پس از نماز یا دعا یا زیارت یا عمل مؤمنانه‌ی دیگری، مسئله یا مشکلی فکری را توانسته‌اند حل کنند. همه‌ی این‌ها پژوهش را صحیحتر، سریعتر و با هزینه‌ی کمتر و بهره‌وری بیشتر به پیش می‌برند و به نتیجه می‌رسانند.

۱۲-۹. توفیق و عوامل بیرونی

شاید برای شما پیش آمده باشد که قصد پژوهش در موضوعی را دارید یا در مرحله‌ای از مراحل پژوهش هستید. ناگهان از رادیوی اتومبیلی که سوار آن شده‌اید، خبری می‌شنوید که با موضوع پژوهش شما ارتباط دارد و اطلاعاتی را به شما می‌دهد. یا در مترو نشسته‌اید. نگاه‌تان به صفحه‌ای از روزنامه می‌افتد که بغل دستی‌تان دارد می‌خواند. می‌بینید که در مورد همان موضوع مورد پژوهش شماست. یا خسته شده‌اید. هوس می‌کنید با تماشای تلویزیون خستگی به در کنید. تلویزیون، فیلمی سینمایی پخش می‌کند. شما تلویزیون را درست در سکansı از فیلم روشن کرده‌اید که به موضوع مورد مطالعه و پژوهش شما ارتباط می‌یابد. یا کتابی بدون ارتباط با موضوع پژوهش خود را باز می‌کنید. مطلبی در آن می‌خوانید که نگاه تازه‌ای به شما می‌بخشد و افق جدیدی پیش روی بینش و اندیشه‌ی شما در آن کار پژوهشی قرار می‌دهد. یا برای یافتن معنی یک لغت یا اصطلاح، فرهنگنامه‌ای را می‌گشایید. آن لغت یا اصطلاح در همان صفحه‌ای است که باز کرده‌اید. یا در یک مهمانی با فردی آشنا می‌شوید که راهنمای خوبی برای فعالیت پژوهشی شماست. یا... گویی همه‌ی جهان بسیج شده‌اند که پژوهش شما را به سامان برسانند.

این‌ها تجربه‌هایی هستند که پژوهشگران — دیندار یا غیردیندار — کم یا بیش با آن‌ها رویه‌رو بوده‌اند. برای نمونه، خود من برای یک کار پژوهشی لازم بود که متن یک مقاله را که سال‌ها قبل منتشر شده بود، عیناً در یکی از کتابهایم بیاورم. تحقیق کردم و آن را در یک ماهنامه یافتم. به هنگام نقل و گزینش‌های لازم متوجه شدم که مقاله به گونه‌ای پرغلط و با



افتادگی بسیار به چاپ رسیده است. عجله هم داشتم و نمی‌دانستم چه کنم که در مدت زمانی کوتاه به اصل مقاله به صورت بی‌غلط دست بیابم. نویسنده‌ی آن نیز در خارج از کشور زندگی می‌کرد و آن سال‌ها ارتباطات ماهواره‌ای به گستردگی و سرعت امروز نبود. در همین حین یکی از بستگان، ما را به شام دعوت کرد. پس از اتمام مهمانی در هنگام خروج از منزل آن‌ها متوجه شدم که یک برگ روزنامه‌ی باطله‌ای که در کفشکن خانه‌ی آن‌ها افتاده، همان مقاله را دارد. من از وجود این مقاله در آن روزنامه خبر نداشتم و این متن غلط نداشتم.

طبیعی است که پژوهشگر اهل ایمان نیز با این رخدادهای خوشایند در جهت پژوهش خویش روبه‌رو باشد و — از آن‌جا که خدا را دست‌اندرکار و مؤثر در همه‌ی امور هستی می‌داند — نام آن‌ها را «اتفاق» نگذارد. جای ذکر این جمله‌ی اینشتین در همین جاست که: «خداوند تاس نمی‌ریزد.» از دیگر سو پژوهشگر مؤمن، به دلیل ایمان خود، شمار بیشتری از این رخدادهای نسبت به غیرمؤمنان در زندگی خویش خواهد داشت.

همراهی و موافقت عوامل بیرونی با خواست انسان «توفیق» نام دارد. پژوهش بدون این همراهی و موافقت آغاز نمی‌شود، پیش نمی‌رود و به سامان و انجام نمی‌رسد. در این میان مؤمن بیشتر و گسترده‌تر از غیرمؤمن برخوردار از توفیق است.

یکی از مهمترین مراحل اجرایی پژوهش، گردآوری اطلاعات مرتبط است. با توجه به آن چه گفتیم، نقش توفیق در گرد آمدن این اطلاعات و سرعت این گرد آمدن، بسیار اساسی است. اما هیچ تضمینی نیست که همیشه بخت یار پژوهشگران باشد و عوامل بیرونی دست به دست هم بدهند تا مشکلات پژوهش را از سر راه پژوهشگران بردارند و اطلاعات لازم را به راحتی در اختیارشان بگذارند در حالی که خداوند قول داده است که مؤمنان را یاری کند و برای پرهیزکاران، راه برزخ را از دشواری‌ها قرار دهد و به آن‌ها از جایی که گمان نمی‌برند روزی‌های مادی و معنوی برساند. نیز گفته است که بی‌هیچ تردیدی راه‌های درست را به کوششگران راهش نشان خواهد داد و آن‌ها را در این راه‌ها پیش خواهد برد. این‌ها صریح آیتی از قرآن‌اند.

۱۰-۱۲. بررسی و رده‌بندی یافته‌ها

اطلاعات یافته‌شده باید مورد مطالعه، بررسی، سنجش و پالایش قرار گیرند تا بتوانند در صورت اعتبار به عنوان سند و مستند شناخته شوند و در مرحله سندبندی، سندگزینی، سندشناسی، سندسنجی و از این دست به کار پژوهش بیایند و مورد یادداشت‌برداری و استناد قرار گیرند. آن‌گاه به گونه‌ای منطقی سامان یابند و رده‌بندی شوند تا پژوهشگر را به نتیجه‌ی مورد نظر برسانند.

طبیعی است که در این مرحله، درک درست از یافته‌ها و فهم دقیق و صحیح پدیده‌های مورد مطالعه تا چه اندازه به کار می‌آید. در این زمینه به عنوان نمونه‌ای از تأثیر ایمان و عمل بر اساس دستورهای الهی، به مضمون خاطره‌ای از یکی از پژوهشگران فلسفه اشاره می‌شود. او در مجلسی می‌گفت که جمله‌ای را در کتابی فلسفی هر چه می‌خواندم، نمی‌فهمیدم. خواب برد. در خواب، استاد مرحوم آیت‌الله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی را دیدم که با هم به قله‌ی کوهی می‌رفتیم. او پیشتر از من حرکت می‌کرد. در طی این خواب به او گفتم که من این جمله را هر چه می‌خوانم نمی‌فهمم. او سه بار به من گفت: "برای این که ساهئ الصلّاتی." (ساهئ الصلّات به کسی می‌گویند که نمازش را دست کم می‌گیرد و از جمله آن را از اول وقت به تأخیر می‌اندازد.) از خواب بیدار شدم و با زدودن این عیب، آن جمله را هم فهمیدم.

درباره‌ی رده‌بندی اطلاعات و یافته‌ها نیز پیشتر اشاره کردیم که در این زمینه خرد و ذهنی منطقی به کار می‌آید و گفتیم که این نیرو در مؤمن بیش از همگنان غیرمؤمن اوست.

۱۱-۱۲. بازنگری و نتیجه‌گیری

بازنگری برای یافتن کاستی‌ها یا خطاهای احتمالی در روند پژوهش و آن‌گاه نتیجه‌گیری در صورت بی‌عیب‌ونقص بودن کار، دو مرحله‌ی پایانی پژوهش‌اند. نظر به اطلاعاتی که درباره‌ی پژوهش مؤمنان و خطای کمتر آن‌ها نسبت به غیرمؤمنان آمد، باید احتمال خطا در پژوهش اهل ایمان و در نتیجه، هزینه‌ی بازنگری و اصلاح پژوهش را کمتر دانست. نتیجه‌گیری نیز در این گونه پژوهش با احتمال بیشتری مقرون به صحت خواهد بود.

۱۲-۱۲. اخلاق پژوهش

امانت، صداقت، دقت، واقع‌نمایی، حقیقی، هدفداری، قدردانی، حقشناسی و پرهیز از سرفتن، هتک حرمت، تضعیف حقوق مادی یا معنوی همکاران و دیگر ویژگی‌های اخلاقی باید در یک پژوهش همواره مورد نظر باشند. این ویژگی‌های اخلاقی، مورد تأیید و تأکید ادیان الهی هستند. بنابراین یک پژوهشگر معتقد و مؤمن به این ادیان، بیگمان پایبندی بیشتری به این موازین اخلاقی نشان خواهد داد به‌ویژه در مقایسه با پژوهشگری اخلاق‌گریز و غیرمعتقد به نظارتی بر کار خود از سوی نیروهای موراوی یا کسی که برای ثبت پژوهشی به نام خود، هر وسیله‌ای را روا می‌شمارد. پژوهش، آینه‌ی پژوهنده است و اخلاق اهل ایمان، در پژوهش آن‌ها نیز نمایان خواهد شد.

۱۳-۱۲. توکل، تفویض و خودگشودگی

در کنار همه‌ی نیازسنجی‌ها، اندیشه‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، طراحی‌ها، تلاش‌ها و دقت‌ها، پژوهشگر مؤمن زمام کار پژوهش و پیشرفت آن را به خدا می‌سپارد تا او هر مرحله را آن گونه که صلاح می‌داند براساس دانش، حکمت، مصلحت و مهر و لطف خود به پیش ببرد. مؤمن در هر گشایش و تنگنا و در هر سرعت، تأخیر یا حتی توقف، مصلحتی برای پژوهش می‌بیند. او باور دارد که خداوند ممکن است پژوهش را ارتقا بخشد و طرحی نو و متعالی برای آن دراندازد. او به لطف خداوند نسبت به پژوهش حق‌جویانه، واقع‌گرایانه و متعهدانه‌ی خویش اطمینان دارد و زورق پژوهش خود را به دریای مشیت و اراده‌ی حقیقت مطلق می‌سپارد.

توکل، تفویض و خودگشودگی نسبت به خواست خدا گاه برخی کوشش‌ها و پژوهش‌های کوچک و عادی اهل ایمان را بدل به آثاری بزرگ، پرارزش، اثرگذار و ماندگار می‌کند.



۱۲-۱۴. زیبایی، توازن و جذابیت

نتیجه‌ی هر پژوهش، یک نظریه است. هر نظریه، روابطی را میان برخی از پدیده‌ها آشکار و بیان می‌کند که آشکار نبودند. چگونگی این روابط یعنی ساختار آن‌ها، ساختار نظریه را می‌سازند. این ساختار قابل ترسیم در ذهن و یا قابل ترسیم به صورت عینی است. دانشمندان، ویژگی زیبایی‌شناسانه‌ی شکل عینی یا ذهنی یک نظریه یا یک دستگاه فکری را با صفت «سیمتری» (symétrie) بیان می‌کنند که واژه‌ای فرانسوی است. آن‌ها گاه درباره‌ی یک نظریه یا دستگاه فکری می‌گویند: «... سیمتری دارد.» یا: «... سیمتری ندارد.»^۲

از آن‌جا که پژوهش یک مؤمن همچون هر پژوهش حقیقت‌نمای دیگر آشکارکننده‌ی بخشی از حقیقت است و حقیقت، متوازن و زیباست، ساختار نظریه‌ی منتج از این پژوهش نیز متوازن و زیبا خواهد بود.

اما پژوهش مؤمن، افزون بر زیبایی و توازن، همچون خود او دارای گیرایی، جذابیت و ملاحظتی برتر از زیبایی است که گذشتگان نام آن را «آن» نهاده و آن را چنین تعریف کرده‌اند: «کیفیتی خاص در حُسن و زیبایی، که قابل درک است اما قابل توصیف نیست.» آن‌ها دریافته بودند که جذابیت، بهتر از حُسن و زیبایی است و این ویژگی است که کششی بیشتر از زیبایی در انسان پدید می‌آورد. بنابراین می‌دانستند که کمال کشش انسان به یک شیء در این است که آن شیء، هم زیبایی و هم جذابیت را به کمال داشته باشد. به گفته‌ی حافظ:

«این که می‌گویند «آن» خوشتر ز حُسن

یار ما این دارد و آن نیز هم.»

علت این ویژگی در پژوهش مؤمن نیز معلوم است. هر اثر بازتابی از درون پدیدآورنده‌ی آن است. مؤمن، دارای توازن و سلامت درون (قلب سلیم) و برخوردار از زیبایی و جذابیت خرد، روح، نفس و نگاه زیبا به پدیده‌ها و کشف جذابیت‌های آن‌هاست. این ویژگی‌ها چنان که خود را در شخصیت و ظاهر مؤمن نشان می‌دهند، در روند پیدایش و حاصل فرایندی که یک مؤمن دست‌اندرکار آن است نیز اثر می‌گذارند و جلوه و نمود می‌یابند. محل جلوه و نمود این زیبایی و جذابیت، از یک سو در زیبایی و توازن (سیمتری) نظریه‌ی حاصل پژوهش است و از سوی دیگر در متن، ساختار و نحوه‌ی تدوین پیشنهاد، طرح اولیه، سازمان و مراحل اجرا و گزارش پژوهش که به صورت آثاری دیداری، شنیداری، نوشتاری یا چندرسانه‌ای ارائه می‌شوند.

آن چه درباره‌ی ارتباط هنر و هنرمند و اثر با پدیدآورنده‌ی آن و ویژگی‌های ایمان و درونیات اهل ایمان و درونیات پژوهشگر و هنرمند در بندهای گذشته و آتی آمده، توضیحی بر چرایی زیبایی، توازن و به‌ویژه جذابیت پژوهش یک مؤمن است که این مورد آخر را در پژوهش غیرمؤمنان نتوان دید.

۱۲-۱۵. بازتاب‌ها و برکات

پژوهشی درهم‌تنیده با ایمان، نه تنها پاسخگوی نیاز که ارتقادهنده‌ی نیاز و آفریننده‌ی نیازی

متعالی‌تر است. این پژوهش، بازدهی بسیار، بهره‌وری بیش از حد انتظار،

اثرگذاری ماندگار و ثمربخشی پیوسته دارد. هدر نمی‌رود و ضایع

نمی‌شود. حتی اگر به‌فرض، مدتی زیر خاک خانه یا کتابخانه

یا پژوهشکده یا جای دیگری پنهان شود، در زمانی مناسب،

بالنده‌تر و قویتر خودنمایی خواهد کرد، هر لحظه میوه‌ای تازه

خواهد داد و برکات خود را خواهد بخشید. خداوند خود گفته است

که نخواهد گذاشت تلاش مؤمنان هدر برود و ضایع شود.

پژوهش مؤمن همه‌ی ویژگی‌های دقت، ظرافت، بهره‌وری، واقع‌گرایی، حقیقت‌نمایی، اخلاقمنداری، زیبایی، ثمربخشی، سوددهی و حرکت‌آفرینی پژوهشهای ارزشمند غیرمؤمنان را دارد، به‌علاوه‌ی همه‌ی مزیت‌هایی که ایمان می‌تواند به هر تلاش فکری و عملی ببخشد.

(ادامه دارد.)

پی‌نوشت:

۱. علوم شناختی یا Noetic Sciences علمی هستند که وظیفه‌ی بخشی از آن‌ها، کوشش و پژوهش در استخراج قوانین علمی از دل تجربه‌های شخصی — از جمله تجربه‌های دینی — است.

۲. انگلیسی این واژه symmetry و تلفظ آن «سیمتری» است.